

پژوهشی در مردم‌شناسی اشکور

ابراهیم جمشیدزاده

کارشناسی ارشد شهرسازی

عضو پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

مقدمه

اشکور یکی از مناطق کوهستانی جنوب‌شرقی گیلان و محل سکونت بخشی از ساکنان گیلان است که عمدتاً دامدار (گالش) بودند. این منطقه که از جنوب به استان قزوین، از شمال به بخش رحیم‌آباد شهرستان رودسر، از شرق به استان مازندران (رامسر و تنکابن) و از غرب نیز به مناطق کوهستانی لاهیجان محدود است بیش از ۱۵۰ روستا را دربرمی‌گیرد که گیلان‌شناسان و محققان گیلانی کمتر به آن توجه کرده‌اند یا کمتر از آن می‌دانند. فرهنگش را با فرهنگ گیل و دیلم یکی دانسته‌اند که چنین نیست.

اگر شهرستان رودسر را به دو بخش مرکزی (شامل شهرهای رودسر، کلاچای، چابکسر و واجارگاه) و رحیم‌آباد (شامل شهر رحیم‌آباد) تقسیم کنیم منطقه مورد مطالعه در حوزه تقسیمات کشوری شهر رحیم‌آباد واقع شده و به دلیل برخورداری از ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی، قومی و آداب و رسوم مشترک تحت نام «اشکور» مورد مطالعه قرار گرفته است. محدوده مورد مطالعه که

به زبان ساکنان منطقه ییلاق^۱ خوانده می‌شود شامل اشکور سفلی، اشکور علیا و سیارستاق و شوئیل است.

موضوعاتی که در مقاله حاضر بررسی می‌شود در زمینه‌های زیر تنظیم شده است:

۱- موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های جمعیتی منطقه؛

۲- مناسبات اجتماعی و مذهبی؛

۳- مالکیت زمین و وسایل شخم در منطقه؛

۴- مسکن و پوشاک مردم اشکور؛

۱- موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های جمعیتی اشکور

اشکور از مناطق کوهستانی جنوب شرقی گیلان و محل سکونت بخشی از ساکنان گیلان است که عمدتاً دامدار (گالش) هستند. این منطقه که از جنوب به استان قزوین، از شمال به بخش رحیم‌آباد شهرستان رودسر، از شرق به استان مازندران (رامسر و تنکابن) و از غرب نیز به مناطق کوهستانی لاهیجان محدود است بیش از ۱۵۰ روستا را شامل می‌شود.

رابینو^۲ در کتاب *ولایات دارالمرز ایران «گیلان»*، اشکور را جزئی از نواحی کوهستانی رانکوه یعنی شرقی‌ترین محدوده گیلان معرفی می‌کند و آن را چنین ترسیم می‌کند: «اشکور سرزمین کوهستانی است که تا سال ۸۱۹ ق (۱۴۱۷-۱۴۱۶م) به وسیله سلسله مستقلی اداره می‌شد. اشکور میهن ماکان بن کاکای است که در قسمتی از مازندران فرمانروایی می‌کرد. این کوهستان که قسمتی از دیلم شناخته می‌شود تحت حکومت سلسله جستانیان درآمد و مدت‌ها بعد از آن تاریخ، دولت اسماعیلیه آن را متصرف گردید».

رابینو در تقسیمات رانکوه محدوده منطقه مورد مطالعه را در این مقاله به شرح زیر ترسیم می‌نماید: ۱- اشکور سفلی، که در کوهستان جیر ولایت هم نامیده می‌شود، از شمال به رانکوه و از مغرب به سمام و از جنوب به رودبار و از مشرق به اشکور علیا محدود می‌گردد؛ ۲- اشکور علیا، که در کوهستان‌های جنوب رانکوه «بالا ولایت» نامیده می‌شود، از جنوب به رودبار قزوین و از مغرب به اشکور سفلی و از مشرق به بالا اشکور تنکابن محدود است؛ ۳- سیارستاق، ناحیه

کوچکی متعلق به خان‌های تنکابن است که از گیلان جدا شده و تشکیل قسمتی داده که همه مردم آن برای تأمین آسایش خود تمایل به جدا شدن از رانکوه دارند. سیارستاق در دامنه کوه واقع شده و از مغرب به پلرود و از مشرق به اشکور علیا محدود می‌شود.

اما آنچه امروز به اشکور معروف است و در حیطه مطالعه حاضر قرار دارد محدوده‌ای است که گیلان‌شناسان و محققان گیلانی کمتر به آن توجه کرده‌اند یا کمتر از آن می‌دانند. فرهنگش را با فرهنگ گیل و دیلم یکی دانسته‌اند که چنین نیست. مردمان منطقه نه تنها خود را گیلانی نمی‌دانند بلکه به دلیل خصلت و جوهره کاری خود، محیط کار خارج از منطقه خود را عمدتاً در سایر مناطق ایران- جز گیلان- انتخاب می‌کنند.

منطقه مورد مطالعه که از نظر فرهنگی، جغرافیایی، ساختار اقتصادی و اجتماعی مشابه است اشکور سفلی، اشکور علیا و سیارستاق و شوئیل را شامل می‌شود که براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیتی معادل ۱۴۳۷۲ نفر دارد و از نظر وضع طبیعی آبادی‌هایی را شامل می‌شود که عمدتاً کوهستانی یا جنگلی هستند. جدول شماره یک تحول جمعیتی منطقه و جدول شماره دو مقایسه جمعیت منطقه با جمعیت کشور، استان و شهرستان را نشان می‌دهد.

جدول شماره یک: جمعیت منطقه اشکور در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ (نفر)

| سال | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۵ |
|-----------------------|-------|-------|-------|
| اشکور سفلی | ۱۵۰۰۵ | ۷۴۱۷ | ۶۵۴۷ |
| اشکور علیا و سیارستاق | ۵۳۴۵ | ۴۹۵۰ | ۳۴۸۶ |
| شوئیل | ۱۶۲۴ | ۷۰۷۸ | ۴۳۳۹ |
| جمع | ۲۱۹۷۴ | ۱۹۴۴۵ | ۱۴۳۷۲ |

مأخذ: مؤلف، مقاله «مسکن و معماری گالشی»، اولین همایش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.



جدول شماره دو: جمعیت منطقه اشکور، کشور، استان و شهرستان رودسر در سال ۱۳۷۵ (نفر)

| محدوده جغرافیایی | جمعیت | جمعیت روستایی | نسبت جمعیت منطقه به جمعیت روستایی کل کشور (درصد) | مردان روستایی | زنان روستایی |
|-----------------------|----------|---------------|--|---------------|--------------|
| ایران | ۶۰۰۵۵۴۸۸ | ۲۳۰۲۶۲۹۳ | ۰/۰۶ | ۱۱۶۰۴۹۷۲ | ۱۱۴۲۱۳۲۱ |
| گیلان | ۲۲۴۱۵۸۹ | ۱۱۹۱۹۱۶ | ۱/۲ | ۵۸۱۲۲۰ | ۶۰۳۶۹۶ |
| شهرستان رودسر | ۲۰۲۶۶۲ | ۱۱۵۲۹۰ | ۱۲/۵ | ۵۶۴۱۶ | ۵۸۱۷۴ |
| اشکور سفلی | ۶۵۴۷ | ۱۴۳۷۲ | ۱۰۰ | ۳۱۳۰ | ۳۴۱۷ |
| اشکور علیا و سیارستاق | ۳۴۸۶ | | | ۱۵۹۱ | ۱۸۹۵ |
| شوئیل | ۴۳۳۹ | | | ۱۹۱۱ | ۲۴۲۸ |

مأخذ: مؤلف، مقاله «مسکن و معماری گالشی»، اولین همایش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.

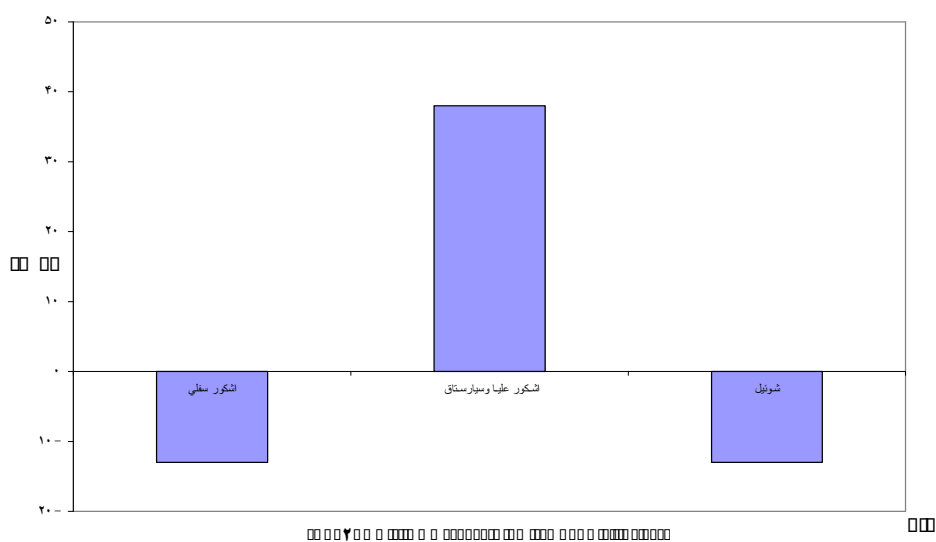
جدول شماره سه: رشد جمعیت منطقه اشکور در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ (درصد)

| سال | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۵ | میانگین رشد (درصد) |
|-----------------------|------|------|------|--------------------|
| اشکور سفلی | -- | -۵۱ | -۱۲ | -۲۴ |
| اشکور علیا و سیارستاق | -- | -۷ | -۳۰ | -۱۳ |
| شوئیل | -- | ۳۳۶ | -۳۹ | ۳۸ |
| جمع | -- | -۱۲ | -۲۶ | -۱۳ |

مأخذ: جدول شماره ۱.

براساس اطلاعات ارائه شده، جمعیت منطقه طی دوره ده ساله (یعنی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵) از ۲۱۹۷۴ نفر به ۱۹۴۴۵ نفر کاهش یافته است و رشد جمعیت از سال ۱۳۶۵ تا سال

۱۳۷۰ به ۱۲ درصد تنزل یافته است و در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ کاهش رشد جمعیت یا به عبارتی نشت جمعیتی منطقه بسیار شدید بوده است و تا ۲۶ درصد کاهش را نشان می‌دهد. میانگین رشد جمعیت در سه منطقه مورد مطالعه (یعنی اشکور سفلی، اشکور علیا و سیارستاق و شوئیل) به ترتیب ۲۴- درصد، ۱۳- درصد و ۳۸ درصد است، درحالی‌که میانگین رشد جمعیت منطقه طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ برابر با ۱۳- درصد است. (این هشدار می‌دهد که مبنی بر تخلیه جمعیت منطقه). (جدول شماره ۳). آنچه از جمعیت منطقه گفته شد شامل جمعیت بیش از ۱۵۰ روستا در سه دهستان به شرح جدول شماره ۴ است. مقایسه رشد جمعیت منطقه در نمودار زیر نشان داده شده است.



اشکور منطقه‌ای کاملاً کوهستانی و در دامنه رشته‌کوه‌های البرز واقع شده است و طبیعتی کاملاً سرسبز و آب و هوای بیلابیلی و کوهستانی دارد. دارای زمستانی بسیار سرد و تابستانی معتدل و خنک است. رودخانه پلرود (پلورود)، که رودخانه اصلی اشکور است، از کوه میجی در مرز طالقان سرچشمه می‌گیرد و در دره‌ای جریان می‌یابد که دو طرف آن را کوه‌های مرتفعی فراگرفته و مناظر زیبایی را به وجود آورده است. این رودخانه از شمال شرقی به سمت شمال و با



عبور از مسافتی طولانی در اطراف کلاچای به دریا می‌ریزد. در منطقه سی پرد یا سی پل یا سیم پل بزرگ‌ترین شاخه پل رود به نام چاکرود (یا طولاً روخانه) که از کوه‌های درفک سرچشمه می‌گیرد به آن می‌ریزد.

جدول شماره چهار: نام و جمعیت آبادی‌های اشکور براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵

| ردیف | نام آبادی | جمعیت | ردیف | نام آبادی | جمعیت | ردیف | نام آبادی | جمعیت | ردیف | نام آبادی | جمعیت |
|---|------------------|-------|------|---------------|-------|------|------------|-------|------|-----------------|-------|
| روستاهاى دهستان اشکور سفلى | | | | | | | | | | | |
| ۱ | آبادچال | ۵۵ | ۷۹ | سپارستق | ۱۶۲ | ۹۰ | لپما گرابر | ۴۰ | ۱۱۸ | تلیکان | ۱۰۴ |
| ۲ | آسیادره | ۵۰ | ۸۰ | سپاروشکوه | ۹ | ۱۵۵ | ماری بن | ۴۱ | ۱۱۹ | توسه چاله | ۱۳۰ |
| ۳ | آغوزین گلدسر | ۴۴۳ | ۸۱ | شادراج سفلى | ۱۱ | ۵۱ | میان لنگه | ۴۲ | ۱۲۰ | توکلین | ۳۷۵ |
| ۴ | بالا لام شکین | ۱۷۱ | ۸۲ | شادراج علیا | ۵۳ | ۱۳۵ | میانش | ۴۳ | ۱۲۱ | چمنو | ۷۱ |
| ۵ | پرامکوه | ۳۶ | ۸۳ | عروس محله | ۱۵ | ۳۰ | ترکی | ۴۴ | ۱۲۲ | حسینی کوه | ۳۶ |
| ۶ | پرچ کوه | ۸۳ | ۸۴ | قلمن چاک | ۲۷ | ۷ | سپارکوه | ۴۵ | ۱۲۳ | خانه سرک | ۵۴ |
| ۷ | تربو | ۵۱ | ۸۵ | کشابه | ۱۵۱ | ۳۵۲ | نیلو | ۴۶ | ۱۲۴ | خراسان سر | ۴۱ |
| ۸ | توساکش | ۱۲۷ | ۸۶ | کلايه | ۷۲ | ۳۷ | نیلورده سر | ۴۷ | ۱۲۵ | خورسند کلايه | ۲۸ |
| ۹ | توسه چال | ۴ | ۸۷ | کلرود | ۹۰ | ۱۵۶ | هلون دره | ۴۸ | ۱۲۶ | دشتک | ۶۹ |
| روستاهاى دهستان اشکور علیا و سارستق بیلابی | | | | | | | | | | | |
| ۱۰ | خیرکل | ۳۰۴ | ۸۸ | کولشکول | ۴ | ۲۶ | آرتم | ۴۹ | ۱۲۷ | درآب | ۲۴ |
| ۱۱ | چشان | ۳۶ | ۸۹ | گرچاسر | ۷ | ۲۶ | آرتم | ۴۹ | ۱۲۸ | روم دشت | ۱۰۰ |
| ۱۲ | چلمنرود | ۶۵ | ۹۰ | گورگه | ۵۴ | ۲۴ | اره چاک | ۵۰ | ۱۲۹ | رئین | ۲۱۴ |
| ۱۳ | چمنو کش | ۳۷ | ۹۱ | گیری | ۲۰۹ | ۲۱ | آغوزکنه | ۵۱ | ۱۳۰ | زداکی | ۱۱۶ |
| ۱۴ | خراسان پشته | ۲۸ | ۹۲ | لات محله | ۵۸ | ۵۰ | بازار محله | ۵۲ | ۱۳۱ | سرورسو | ۳۳ |
| ۱۵ | دوبرود | ۱۱۷ | ۹۳ | لشکان | ۳۳۵ | ۸۰ | بنوک | ۵۳ | ۱۳۲ | سرخ تله | ۴۳ |
| ۱۶ | رود گردن | ۸۶ | ۹۴ | لیاسی | ۴۹ | ۳۴ | پتنگ | ۵۴ | ۱۳۳ | سلوکین سفلى | ۶۳ |
| ۱۷ | زودیارک | ۸۱ | ۹۵ | ماپستان بالا | ۵۵ | ۱۲۲ | پرلدان | ۵۵ | ۱۳۴ | سلوکین علیا | ۲۹ |
| ۱۸ | ریاب | ۳۶ | ۹۶ | مایستان پایین | ۱۵۵ | ۴۵ | پرویزخانلی | ۵۶ | ۱۳۵ | سلوکین وسطی | ۲۶ |
| ۱۹ | زوزرینه | ۱۰۴ | ۹۷ | محمودلات | ۱۱ | ۸ | پستان | ۵۷ | ۱۳۶ | سورخانه کش | ۴۷ |
| ۲۰ | زبار | ۳۸۷ | ۹۸ | مبارود | ۷۵ | ۲ | پلنگم | ۵۸ | ۱۳۷ | شردشت | ۵۴ |
| ۲۱ | سجیران | ۵۱۷ | ۹۹ | نی دشت | ۱۷ | ۲۰۶ | پوده | ۵۹ | ۱۳۸ | شقیق آباد | ۱۲۷ |
| ۲۲ | سلجه (چال) | ۶۴ | ۱۰۰ | نیسان | ۱۰۴ | ۶۱ | نلان | ۶۰ | ۱۳۹ | شوتیل | ۱۶۲ |
| ۲۳ | سلیجان چیر | ۳۷ | ۱۰۱ | ولنی | ۵۲ | ۴۶ | توکامجان | ۶۱ | ۱۴۰ | صمدآباد | ۹۷ |
| ۲۴ | سنگ به | ۳۵ | ۱۰۲ | ویشکی | ۶۵ | ۳۰ | جوزده | ۶۲ | ۱۴۱ | کاجین | ۵ |
| ۲۵ | سپاه کشان | ۳۷ | ۱۰۳ | یاسور | ۳۵ | ۷۴ | جیزده | ۷۳ | ۱۴۲ | کلکانوس | ۵۴ |
| روستاهاى دهستان شوتیل | | | | | | | | | | | |
| ۲۶ | شردشت | ۱۱۸ | ۱۰۴ | اکبر آباد | ۱۷۳ | ۱۸ | چاکان | ۶۴ | ۱۴۳ | کوجی | ۲۳ |
| ۲۷ | شوک | ۴۳۳ | ۱۰۵ | ایر محله | ۵۸ | ۷۸ | چاکانک | ۶۵ | ۱۴۴ | کاسه | ۲۵۵ |
| ۲۸ | طولانی بالا | ۱۸۶ | ۱۰۶ | ایزدین | ۱۳۸ | ۳۳ | چاکلی | ۶۶ | ۱۴۵ | گیلابه | ۱۰۳ |
| ۲۹ | طولانی پایین | ۸۲ | ۱۰۷ | ایلی | ۱۷۰ | ۲۴ | حمیر محله | ۶۸ | ۱۴۶ | لرود | ۱۰۳ |
| | | | ۱۰۸ | لرده | ۱۴۷ | | | | ۱۴۷ | | ۸۸ |



جدول شماره چهار: نام و جمعیت آبادی‌های اشکور براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵
(ادامه)

| | | | | | | | | | | | |
|----|------------|-----|----|---------|-----|-----|------------|-----|-----|-----------|-----|
| ۳۰ | عسکر آباد | ۹۱ | ۶۹ | دزچه | ۱۵ | ۱۰۸ | برگم | ۳۳ | ۱۴۸ | لسیر | ۱۸۲ |
| ۳۱ | فکش | ۲۴ | ۷۰ | دوسنگ | ۱۱۸ | ۱۰۹ | برمکوه | ۲۰۴ | ۱۴۹ | لیکی | ۵۶ |
| ۳۲ | کاکورد | ۴۲۱ | ۷۱ | دوگاد | ۱۰۸ | ۱۱۰ | بوجاله | ۱۰ | ۱۵۰ | مارگاد | ۴۷ |
| ۳۳ | کلايه پهلر | ۶۵ | ۷۲ | دلیجان | ۵۷ | ۱۱۱ | پلکوت | ۳۶ | ۱۵۱ | مارودره | ۴۶ |
| ۳۴ | کولمیش | ۶۹ | ۷۳ | دوکل | ۳۶ | ۱۱۲ | پان | ۱۳ | ۱۵۲ | مومن زمین | ۵۸ |
| ۳۵ | گرم‌دشت | ۱۰۸ | ۷۴ | روزان | ۲ | ۱۱۳ | پلی آغولین | ۸۴ | ۱۵۳ | ودین | ۲۰ |
| ۳۶ | کره گویر | ۳۴۱ | ۷۵ | زیدی | ۳۶ | ۱۱۴ | تازه آباد | ۵۱ | ۱۵۴ | وگنخانی | ۸۹ |
| ۳۷ | لاشکن | ۹۲ | ۷۶ | سارغ | ۹۳ | ۱۱۵ | تلاینگ | ۶۲ | | | |
| ۳۸ | لیما | ۳۳۱ | ۷۷ | سزورد | ۱۰۹ | ۱۱۶ | تله سر | ۳۶ | | | |
| ۳۹ | زیدچال | ۱۱۷ | ۷۸ | سنگسورد | ۲۵ | ۱۱۷ | تلیسین | ۲۵ | | | |

مأخذ: مرکز آمار ایران، شناسنامه آبادی‌های کشور- استان گیلان- شهرستان رودسر، سال ۱۳۷۵

۲- مناسبات اجتماعی و مذهبی در منطقه اشکور

بی‌نظمی و آشفتگی جغرافیایی منطقه همچون بی‌نظمی و آشفتگی جغرافیایی استان گیلان شرایطی را به وجود آورده است که غیر و بیگانه کمتر به آن تعرض کرده‌اند اما همین فضای جغرافیایی منطقه هرچند که به ظاهر نامنظم و غیرقابل مرزبندی جلوه می‌کند ولی از درون به صورت واحدهایی تودرتو و بر طبق اصل نسق‌بندی سازمان یافته است.

کوچک‌ترین واحد مکانی و اجتماعی، محوطه خانه‌ها است که با پرچین‌هایی (چپر) محصور شده و خانه و باغچه را دربر می‌گیرد. واژه خانه (خونه) هم به خانه گفته می‌شود و هم به کل محوطه و هم اهل منزل. هر محوطه با پرچین‌هایی محصور می‌شود که نه تنها حدود فضای خانگی را مشخص می‌کند بلکه حفاظی است برای باغ‌ها در مقابل چارپایان و برای ماکیان. این پرچین‌ها (چپر) ممکن است از شاخه‌های درختان (شاخه‌های بدون تیغ و شاخه‌های تیغ‌دار) باشد یا از سنگ (چینه- دیوار سنگی). منفذ این پرچین‌ها یا راه‌بندی متحرک است (لش‌بر) یا در کوتاه به نام «بَلْتَه». در این محوطه، عمدتاً مایحتاج روزمره خانواده اعم از انواع صیفی‌جات و حبوبات کشت می‌شود.

یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم و مؤثر در مناسبات اجتماعی و اقتصادی منطقه، محله است. محله محیطی فراتر از محوطه خانه را شامل می‌شود و در واقع، به اجتماع چند خانه که در همسایگی همدیگر قرار گرفته‌اند اطلاق می‌شود. محله در واقع تقسیم‌بندی کوچک در واحد محل است و محل همان ده یا روستا بوده است که عمدتاً از چند محله به نام‌های جیر محله (پایین محله)، جور محله (بالا محله)، میان محله (محله وسط) و اور محله (محله کناری) تشکیل می‌شود. در قسمت جلگه گیلان، محله یک واحد آبیاری است در حالی که در منطقه اشکور به دلیل کشت دیم تقسیم‌بندی محله از این امر مجزاست و این موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی روستاست که تقسیم‌بندی محله‌ای را به وجود می‌آورد. همان‌طوری که بیان شد و رای محله، محل است که از مجموعه خانه‌های یک روستا به غیر از زمین‌های کشاورزی تشکیل می‌شود؛ زیرا هر قسمت از محدوده جغرافیایی نام بخصوصی دارد. فقط به محدوده سکونت افراد محل گفته می‌شود. این تقسیم‌بندی در منطقه کاملاً مشهود است و در واقع یک تقسیم‌بندی درون محلی «روستایی» محسوب می‌شود و حتی در این تقسیم‌بندی، طبقات اجتماعی و استطاعت مالی ساکنان نیز نقش دارد و باعث تمایز از یکدیگر نیز می‌شود.

در اشکور و فرهنگ گالشی «همسایه» به خانه یا ساکنان خانه‌ای گفته می‌شود که در پیرامون صاحبخانه مستقر باشند؛ یعنی به محض باز کردن در یا پنجره‌های یک خانه، افراد خانه‌های اطراف به راحتی دیده شوند. به عبارتی، گروه همسایگان شامل محوطه‌ای است که در معرض دید هستند و صدای ساکنان آن شنیده می‌شود. این افراد ممکن است اقوام باشند ولی همیشه این‌طور نیست. اما در سلسله مراتب تعلقات اجتماعی، مسلماً محله از همه مهم‌تر و در زندگی و معرفی روزمره افراد به آن اشاره می‌شود. به طوری که در معرفی نسبت‌های افراد و شناسایی و آشنایی روابط اجتماعی نیز افراد به نسبت‌های پدری یا مادری شناخته می‌شوند، مثلاً مختار محمد (محمد فرزند مختار) یا صفیه عیسی (عیسی فرزند صفیه).

ثروت روستاییان محلی هم از ترکیب محیط ناشی می‌شود و هم از وضعیت روستاییان منطقه به عنوان تولیدکنندگانی که در مقایسه با روستاییان فلات کشور در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند. تا زمان اجرای اصلاحات ارضی (سال ۱۳۳۳ش) شیوه تولید حاکم بر گیلان همانند شیوه



تولید در دیگر استان‌های ایران، فتودالی بوده است. زمین‌های مزروعی متعلق به خرده مالکان و مالکان بزرگی بود که غالباً در محل املاک خود حضور نداشته‌اند. کشاورزان منطقه، مجموعه‌ای کاملاً قشربندی شده را پدید آورده‌اند و این قشربندی کمتر تابع موقعیت و وضعیت حقوقی تولیدکنندگان بوده است. بازتاب قشربندی دهقانی را در منطقه می‌توان در تنوع نمونه و طرح خانه‌های مسکونی و تأسیسات بهره‌برداری کشاورزی مشاهده کرد، لذا چگونگی مناسبات بین گونه‌های معماری از یک سو و اختلاف منزلت اجتماعی دهقانان از سوی دیگر قابل بررسی است. درحالی‌که ساختارهای اجتماعی جامعه روستایی به‌طور سنتی در روستاهای ایران مرکزی بسیار محکم است (تعاون در سطح فعالیت‌های کشاورزی) بافت پیوندهای گروهی در گیلان و به‌خصوص در این منطقه، بسیار سست و محدود به چند کار در امر تعاون است، شامل آبیاری و نگهداری مزارع، انتخاب میراب و شکارچی (خوک‌کُش) و مُبَلِّغ مذهبی برای ماه محرم و رمضان. رفتارهای اجتماعی و تقسیم نقش‌های اجتماعی بین زنان و مردان، در کنار عادت‌های غالب و رایج در کشور، خشونت در مناسبات بین افراد و ارتکاب جنایت در منطقه به مراتب کمتر و خفیف‌تر از سایر مناطق کشور است. سهم مهمی که زنان در فعالیت‌های کشاورزی بر عهده دارند و جدا نبودن زن و مرد در فضای مسکونی نیز از جمله خصوصیات برجسته و اصیل شیوه زندگی در منطقه است. بخش عمده‌ای از اقتصاد خانواده در دست زن خانواده است. زن اشکوری در تولید محصولات کشاورزی در مزارع و نیز در اداره کار بهره‌برداری کشاورزی مستقیماً مشارکت می‌کند.

مناسبات اجتماعی بین مردم منطقه عمدتاً در قالب همیاری‌های همسایگی از قبیل قرض گرفتن و قرض دادن مایحتاج ضروری زندگی، فعالیت‌های کاری، مناسبات همسایگی و مشارکت در کارها و فعالیت‌های روزمره است و همسایگان علاوه بر اینکه در مناسبات اجتماعی و اقتصادی همدیگر نقش دارند در بین آنها تعاون و مبادلات روزمره صورت می‌گیرد. به‌طوری‌که در ساخت مسکن و دروی گندم و خرمن و سایر فعالیت‌های جمعی به همدیگر کمک می‌کنند و باتوجه به روابط اجتماعی نزدیک بین مردم، ارتباط همسایگان با همدیگر شبیه ارتباط درون خانوادگی است.

درخصوص مذهب مردم، رابینو نقل می‌کند که مردم این ناحیه شیعه هستند. ساکنان منطقه را همراه با ساکنان رانکوه در قرن سوم هجری داعی ناصرکبیر به اسلام درآورد. اما تا یک قرن بعد از آن تاریخ هم، زرتشتیان در کوهستان‌های این ناحیه پراکنده بودند. در سال ۵۹۰ ق (۱۱۹۴م) هنگامی که این ناحیه را از مغرب اشکور تا ملاط ملک هزار اسب بن شاهرخ رستمدر تسلیم فداییان اسماعیلی کرد طریقه زیدیه جانشین مذهب شیعه شد، اما در زمان حکومت علویان سلسله امیر کیایی، که مذهب زیدی تقریباً به صورت مذهبی عمومی درآمد بود، به سبب گرویدن صادقانه خان احمدخان به شیعه ساکنان این ناحیه نیز به اقتدای سلطان خود به مذهب شیعه گرویدند. در حال حاضر هم مذهب مردم، شیعه است. با توجه به نگرش عملی به کار در منطقه، تعطیلی روزانه یا گذراندن اوقات فراغت در اینجا معنی ندارد. فراغت مردم منطقه شباهنگام و به صورت دید و بازدید شبانه صورت می‌گیرد که به آن «شب‌نشینی» گویند. تعطیلات رسمی و آنچه باعث شود کشاورز اشکوری کار نکند، تعطیلات مذهبی یعنی روز عاشورا و بیست و یکم ماه رمضان (شهادت حضرت علی «ع») است. فقط صبح روزهای مذکور در اشکور کار نکردن مجاز است و در غیر این روزها کار نکردن به معنی بی‌عار بودن یا مسئولیت‌پذیر نبودن تلقی می‌شود.

با توجه به اینکه کار اهمیت زیادی دارد انجام فرائض دینی و مذهبی نیز کاملاً امری خصوصی تلقی و در فضاهای خصوصی انجام می‌شود تا اماکن و فضاهای دینی مثل مسجد. به همین دلیل در کل منطقه قبل از انقلاب اسلامی فقط در بعضی از روستاها مسجد وجود داشت و کفن و دفن مردگان را نیز افراد انگشت‌شماری انجام می‌دادند؛ البته مسجد نیز در عین حال که مکانی عبادی به حساب می‌آید فقط در ایام ماه محرم (از شب هفتم تا شام غریبان امام حسین) و ماه رمضان (از شب نوزدهم تا بیست و یکم) و ایام وفات اهالی از آن استفاده می‌شد به طوری که نوعی ضرب‌المثل بر این اساس رواج پیدا کرده است؛ اگر به کرار به منزل کسی مراجعه کنی و کسی در منزل نباشد به مسجد تشبیه می‌کنند و می‌گویند که خانه فلانی مثل مسجد است که در ۲۴ ساعت درش بسته است. از طرفی، به دلیل اعتقادات خاص و احترام به سادات در اکثر روستاهای منطقه وجود بقاع متبرکه (آستانه) به چشم می‌خورد. بعضی از این آستانه‌ها شهرتی



منطقه‌ای و بعضی دیگر نیز درون روستایی دارند و بقاعی که شهرت منطقه‌ای دارند ماهیانه یا سالیانه اهالی آنها را زیارت می‌کنند.

زن اشکوری در عین باحجابی - به طوری که حتی در حضور شوهر و فرزندان ذکور خود چارقد یا روسری از سر بر نمی‌دارد - گیسوان بافته خود را خارج از چارقد به دور سر می‌بندد و پوششی غیر از پوشش محلی - شامل تنبان (دامن بسیار بزرگ و چین‌دار)، پیراهن (بلوز زنانه) - چه در مراسم مذهبی و چه غیرمذهبی بر تن نمی‌کند؛ البته در ۲۶ سال اخیر تغییرات عمده و ناخواسته‌ای در فرهنگ و مراسم دینی و رفتار اجتماعی مردم منطقه به وجود آمده است.

۳- مالکیت زمین و وسایل شخم در منطقه اشکور

پیش از سال ۱۳۴۰ش یعنی قبل از اصلاحات ارضی نظام مالکیت ارضی (ارباب - رعیتی) در ایران به اشکال زیر بوده است:

۱- املاک سلطنتی؛

۲- املاک خالصه؛

۳- املاک موقوفه؛

۴- املاک شش دانگی یا تیول؛

۵- املاک دانگی؛

۶- املاک خرده مالکی؛

۷- املاک مخلوط؛

انواع مختلف مالکیت در ایران و گیلان پیش از اصلاحات ارضی در جدول شماره پنج نشان داده شده است. اما بعد از اصلاحات ارضی نظام مالکیت زمین در منطقه اشکور از اصلاحات ارضی چندان متأثر نشد؛ زیرا عمده زمین‌های کشاورزی منطقه دارای نظام خرده مالکی و مالکان نیز کمتر به زمین وابسته بودند و عمدتاً به جهت کار «پیمان‌کاری چوب جنگل یا نجاری» به جنگل‌های مازندران یا سایر مناطق گیلان مهاجرت می‌کردند. از طرفی عمده محصولات

کشاورزی در منطقه به شکل دیم کشت می‌شدند و عبارت بودند از: گندم، جو، ارزن، عدس، برنج (فقط در روستاهای زیاز و دیورود اشکور سفلی)، گل گاوزبان و فندق.

جدول شماره پنج: انواع مالکیت زمین پیش از اصلاحات ارضی در ایران و گیلان^۳

| ردیف | نوع املاک | ایران | | گیلان | |
|------|----------------|-------------|-------|-------------|-------|
| | | تعداد روستا | درصد | تعداد روستا | درصد |
| ۱ | سلطنتی | ۵۳۸ | ۱،۳۵ | ۱۲۴ | ۷،۸۴ |
| ۲ | خالصه | ۱۳۷۳ | ۳،۴۵ | ۰ | ۰ |
| ۳ | موقوفه | ۶۵۴ | ۱،۶۴ | ۰ | ۰ |
| ۴ | شش دانگی | ۹۳۶۰ | ۲۳،۵۴ | ۳۳۸ | ۲۱،۳۷ |
| ۵ | دائگی | ۴۳۶۵ | ۱۰،۹۸ | ۹۰ | ۵،۶۹ |
| ۶ | خرده مالکی | ۱۶۲۵۱ | ۴۰،۸۷ | ۵۴۰ | ۳۴،۱۳ |
| ۷ | مخلوط | ۶۱۵۹ | ۱۵،۴۹ | ۳۷۴ | ۲۳،۶۴ |
| ۸ | املاک ناشناخته | ۱۰۵۹ | ۲،۶۶ | ۱۱۶ | ۷،۳۳ |
| | جمع | ۳۹۷۵۹ | ۱۰۰ | ۱۵۸۲ | ۱۰۰ |

در گذشته محصولات کشاورزی منطقه برای فروش یا در منطقه جلگه‌ای گیلان یا در قزوین عرضه می‌شد. اما در حال حاضر، بخش عمده زمین‌های کشاورزی منطقه به کشت نهال فندق یا بوته‌های گل گاوزبان اختصاص یافته است و ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر جاده، آب، برق و تلفن نه تنها باعث دلبستگی روستاییان به منطقه نشد بلکه عامل تشدید مهاجرت نیز شد؛ زیرا مسیر دسترسی روستاییان به شهر را آسان کرد و کشت سایر محصولات کشاورزی مثل گندم، جو و سایر غلات و حبوبات تقریباً از بین رفت. مدیریت کشاورزی در اشکور بین زن و مرد تقسیم شده است، به طوری که کشت، داشت و برداشت محصولاتی چون صیفی‌جات، گل گاوزبان و



آبیاری با زنان و کاشت، داشت و برداشت و خرمن محصولاتی چون گندم، جو و ... را زنان و مردان توأم انجام می‌دهند.

مدیریت خانه یا به عبارتی تدبیر منزل کاملاً بر عهده زن خانه است و وظیفه مرد پول درآوردن و انجام کارهای پرمشقت است. مرد اشکوری ممکن است نیمی از سال را در خانه نباشد؛ زیرا برای کار به منطقه‌ای خارج از محل سکونت خود می‌رود. دامداری به داشتن گاو، گوسفند، بز و ماکیان خلاصه می‌شود. شیوه کشت در این منطقه چه از نظر استفاده از ابزار و چه از نظر سیستم کشت با سایر مناطق متفاوت و فرایند کشت، داشت و برداشت در منطقه بدین صورت است: کشت محصولاتی چون گندم و جو در پاییز شروع می‌شود (البته هرچه به ارتفاعات می‌رویم به دلیل سرما، در مرداد و شهریور کشت محصولات شروع می‌شود) و با استفاده از دو گاو نر، که به یوغی (جت) بسته می‌شوند، و با خیش بلندی، که به دنبال می‌کشند، صورت می‌گیرد و برای خرد کردن کلوخ‌های به جای مانده از کشت از افرادی استفاده می‌کنند که مجهز به کلند هستند و به این عمل کلند کار گویند؛ البته ارزن در بهار کاشته می‌شود.

۴- مسکن و پوشاک مردم اشکور

موقعیت جغرافیایی، وضعیت خاص اقلیمی و شیوه زندگی مردم و ساکنان منطقه نوع خاصی از معماری و سرپناه را باعث شده است که در عین حال که زیبا و مورد توجه است از لحاظ سبک معماری و استفاده از مصالح ویژه است یعنی علاوه بر اینکه با معماری بومی کشور متفاوت است با معماری محلی و اقلیم مرطوب و خزری (گیلان) نیز تفاوت دارد.^۴

اصلی‌ترین ویژگی‌های مسکن و معماری منطقه به دلیل وفور و تنوع رویدنی‌هایی از قبیل سرو، بلوط (مازو)، افرا، نارون (لی دار)، انجیلی (شَرمدار)، آزاد (نارون سیری)، راج، توسکا، بید، لیلکی، گردو، فندق و ... در اسکلت خانه‌های این منطقه عمدتاً از سنگ و چوب استفاده می‌شود و پوشش بام‌ها نیز چوبی است، به این صورت که تخته‌های کوچک با ابعاد تقریبی ۷۰×۳۰ سانتی‌متر را به شکل سفال روی هم می‌چینند و به خاطر در امان بودن از باد بر روی آنها سنگ می‌گذارند. درحالی‌که خانه در ایران مرکزی عمدتاً با مصالح معدنی (خشت خام یا پخته، کاهگل)

ساخته می‌شود. همان‌طوری که بیان شد تنوع انواع درختان جنگلی حداکثر امکانات را از نظر کیفیت و خواص متفاوت چوبی ساختمانی به‌دست می‌دهد. درختان سر به فلک کشیده‌ای که در جنگل در همه‌جا به‌چشم می‌خورند برداشت‌ها و بازنمودهایی بس اصیل از فضا پدیدار کرده است.

خانه‌هایی که در منطقه اشکور ساخته می‌شود همچون درختان مرتفعی که آنها را احاطه کرده‌اند، غالباً تابع طرح قائم چند طبقه‌ای است و این خود نوعی تباین را با ساختمان‌های مسکونی مناطق مرکزی ایران نشان می‌دهد؛ زیرا در مناطق مرکزی کشور، اتاق‌ها به‌طور افقی در اطراف حیاط مرکزی خانه‌ها ساخته می‌شوند.

خانه‌های گالشی (اشکور) از جهت شکل به دو دسته تقسیم می‌شوند: خانه‌های چهارگوش (خانه‌هایی که طول و عرض آن یکی است) و خانه‌های مستطیلی که طول و عرضشان نامساوی است. درحالی‌که از نظر مصالح این خانه‌ها به سه دسته سنگ و گل، خشت و گل، چوب و گل تقسیم می‌شوند. لازم به یادآوری است که این نوع مسکن از نظر مقاومت در برابر زلزله مقاوم‌ترین نوع مسکن است.

پوشاک مردم اشکور متمایز از پوشاک سایر نقاط کشور است و نوع پوشاک زنان با مردان و حتی دختران و پسران و جوانان و بزرگسالان با هم متفاوت است و این مقوله خود بحثی مفصل را در پی خواهد داشت که در آینده بررسی می‌شود. مقاله حاضر به‌دلیل ضیق وقت و مجال اندک به‌طور اختصار فقط به اطلاع‌رسانی اکتفا کرده است که تفصیل و تشریح این موضوعات در فرصت‌های آتی مطرح می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. از نظر ساکنان منطقه، ایران به دو منطقه بیلاق و گیلان تقسیم می‌شود، بیلاق محدوده اسکان گالش‌ها (اشکور) و غیر از آن گیلان خوانده می‌شود.
۲. رابینو، ه. ل.، ولایات دارالمرز ایران «گیلان»، ترجمه جعفر خمami زاده، انتشارات طاعتی، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۴.
۳. این جدول از کتاب پژوهشی در مردم‌شناسی روستای قاسم/باد گیلان اثر دکتر اصغر عسکری خانقاه گرفته شده است.



۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقاله «مسکن و معماری گالشی»، اثر مؤلف، ارائه شده در نخستین همایش بنیاد ایران‌شناسی در سال ۱۳۸۱.

منابع

- بازن، مارسل، و برومبزه، کریستیان، گیلان و آذربایجان شرقی، نقشه‌ها و اسناد مردم‌شناسی، مظفر امین فرشچیان، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۵.
- برومبزه، کریستیان، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، علاءالدین گوشه‌گیر، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- جمشیدزاده، ابراهیم، برنامه‌ریزی منطقه‌ای به کمک تکنیک داده- ستانده (نمونه موردی استان گیلان ۱۳۷۰)، پایان‌نامه فوق لیسانس شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۸.
- جمشیدزاده، ابراهیم، «مسکن و معماری گالشی»، اولین همایش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.
- جمشیدزاده، ابراهیم، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های شخصی.
- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، آمارنامه استان گیلان، سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۵.
- مرکز آمار ایران، شناسنامه آبادی‌های کشور، استان گیلان، ۱۳۷۵، شهرستان رودسر.